

فصلنامه خط اول

رهیافت انقلاب اسلامی

سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۸

صفحه ۵۷ تا ۸۲

تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی / استاد دانشگاه علامه طباطبائی
فیروزه رادفر / کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده:

با تجاوز رژیم بعث عراق به خاک ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، دوران جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. به طوری که کلیه ابعاد و اهداف سیاست خارجی ایران تحت تأثیر این حادثه قرار گرفت. از این رو، صدور انقلاب به عنوان یکی از اصول و اهداف سیاست خارجی نیز دستخوش تغییر و تحول ماهوی و شکلی شد. در این مقاله استدلال می‌شود که الگوی صدور عملی حکومت اسلامی که در اثر آغاز جنگ تحمیلی، تحول گفتمانی در سیاست خارجی، به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان، و اشغال افغانستان توسط شوروی، در قالب انقلاب مستمر اتخاذ شد به علت تحولات جنگ، تحول گفتمان سیاست خارجی، و موانع منطقه‌ای و بین‌المللی به اشاعه الگوی عملی حکومت اسلامی در چارچوب دکترین ام‌القرآ و تز انقلاب مستمر تغییر و تحول یافت.

کلید واژه: دفاع مقدس، صدور انقلاب، انقلاب اسلامی، سیاست خارجی، انقلاب مستمر، انقلاب مستقر.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به واسطه ماهیت ایدئولوژی فراملی و جهان شمول اسلام از یک سو و موقعیت ژئوپولیتیک ایران و منطقه خاورمیانه و خلیج فارس از سوی دیگر، به صورت طبیعی محیط پیرامونی خود را تحت تأثیر قرار داد. از این رو می توان از بازتاب منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای انقلاب اسلامی سخن گفت. این تأثیر گذاری و نفوذ انقلاب اسلامی غیر ارادی و بدون طراحی و برنامه‌ریزی به صورت خودکار و خود جوش صورت گرفته است. به طوری که ارزش‌ها، آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی در قالب گفتمان انقلاب اسلامی در جوامع متجانس و نامتجانس اشاعه و گسترش یافته است.

اما علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را به‌عنوان یکی از اهداف و اصول سیاست خارجی خود پی گیری کرده است. به طوری که جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا با طراحی و برنامه ریزی راهبردی به صورت ارادی و هدفمند، مبانی، ارزش‌ها، آرمان‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی را به عنوان دقایق و حقایق گفتمان انقلاب اسلامی به سایر جوامع و ملت‌ها صادر نماید. یعنی جمهوری اسلامی سعی می کند در قالب یک طرح و استراتژی کلی از پیش تدوین شده ارزش‌ها، آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی در محیط پیرامونی خود اشاعه و گسترش دهد.

با این وجود، صدور انقلاب در دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران معنا و مفهوم متفاوتی یافته و از الگوها، ابزارها و سازو کارهای مختلفی سود برده است. در نتیجه، الگوهای مختلف صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. به گونه‌ای که مفهوم، مدلول و الگوی صدور انقلاب در طول سه دهه گذشته دستخوش تغییر و تحول ماهوی و شکلی شده است. از این رو، تجزیه و تحلیل چستی، چرایی و چگونگی تغییر و تحول صدور انقلاب اسلامی در دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موضوعیت و مطلوبیت دارد.

این مقاله به واکاوی چرایی و چگونگی تحول الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران در دوره جنگ هشت ساله می پردازد. هدف پاسخگویی به این پرسش اساسی است که الگوی صدور انقلاب در دوره دفاع مقدس چه تغییر و تحولی یافته و عوامل تعیین کننده آن کدامند؟ پاسخ موقت به این سؤال این است که: الگوی صدور عملی حکومت اسلامی که در اثر آغاز جنگ تحمیلی، تحول گفتمانی در سیاست خارجی، روی کار آمدن تصمیم گیرندگان اسلام گرا، و اشغال افغانستان توسط شوروی، در قالب انقلاب مستمر اتخاذ شد به علت تحولات جنگ، تحول در گفتمان سیاست خارجی و موانع منطقه‌ای و بین المللی به

اشاعه الگوی عملی حکومت اسلامی در چارچوب دکترین ام‌القرآ و تز انقلاب مستقر تغییر و تحول یافت.

بحث و بررسی این فرضیه در دو بخش کلی صورت می‌گیرد. در قسمت نخست، تحول الگوی صدور انقلاب در دوره اول جنگ (۱۳۶۳-۱۳۶۰) توضیح داده می‌شود. به طوری که ابتدا معنا و مفهوم صدور انقلاب در این بازه زمانی تبیین می‌گردد. سپس ماهیت ابزار و اهداف الگوی صدور انقلاب تجزیه و تحلیل می‌گردد. دومین بخش نیز به بحث و بررسی تغییر و تحول الگوی صدور انقلاب در دوره دوم جنگ (۱۳۶۷-۱۳۶۳) اختصاص دارد. از این رو، معنا و مفهوم صدور انقلاب، ماهیت، اهداف و ابزار، الگوی صدور و نهایتاً علل و عوامل تعیین کننده تغییر و تحول آن تحلیل و تبیین می‌شود.

۱-۲- دوره اول: ۱۳۶۳ - ۱۳۶۰

صرف نظر از علل و انگیزه‌های واقعی صدام حسین از حمله به خاک ایران، دولت عراق مهم‌ترین علت و دلیل جنگ را پیشگیری از صدور انقلاب اسلامی و دفاع از خود ذکر کرد. رهبران عراق با اشاره و استناد به اظهارنظرها و اقدامات بعضی از گروه‌های انقلابی تندرو در ماه‌های قبل از جنگ، استدلال می‌کردند که برای مقابله با موج صدور انقلاب و مداخله ایران جهت ایجاد انقلاب اسلامی در عراق به دفاع پیشدستانه مبادرت ورزیده‌اند.^۱ برای مثال نماینده عراق در نشست غیرمتمه‌دانه چنین اعلام کرد «دولت عراق برای جلوگیری از فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت تأمین حاکمیت اسلام، مجبور به این جنگ شده است. جمهوری اسلامی می‌خواهد احکام اسلام را با معیار ولایت فقیه به اجرا گذارد و دیگران را نیز به اجرای این احکام دعوت کند و این دخالت آشکار در امور داخلی دیگر کشورهاست»^۲.

تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی نیز اعتقاد داشتند که مهم‌ترین دلیل و علت تجاوز عراق به خاک ایران جلوگیری از صدور انقلاب یا به عبارت دیگر وقوع انقلاب اسلامی در عراق بود. از این رو، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی تصریح می‌کند «این جنگ را که عراق شروع کرد، در واقع برای جلوگیری از صدور انقلاب بوده زیرا، این کشور از جهاتی شبیه به وضع گذشته رژیم ایران است»^۳. اگرچه وی یک هفته قبل از این ضمن تأیید ایده و سیاست صدور انقلاب تأکید می‌کند که «... از صدور انقلاب برداشت نادرستی می‌شود و... هیچ وقت نظر امام یا دیگران... این نبوده است که ما با جنگ و دعوا می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. انقلاب ما یک انقلاب فکری و مکتبی است»^۴.

جنگ تحمیلی در طول ۹ ماهی که بنی صدر رئیس جمهور بود تغییر چندانی در وضعیت

سیاست صدور انقلاب ایجاد نکرد. به طوری که اختلاف نظرهایی که در سطح رسمی و غیررسمی در مورد ضرورت و ماهیت صدور انقلاب قبل از جنگ وجود داشت، استمرار یافت و حتی تشدید نیز شد. چون مکتبی‌ها خواهان استفاده بهینه از وضعیت پیش آمده برای صدور انقلاب بودند. در حالیکه بنی صدر، قطب زاده و سایر ملی گرایان باقیمانده در دولت، با استناد به شرایط جنگی و ضرورت دفاع از انقلاب و کشور خواستار تثبیت انقلاب در درون ایران بودند. در این بازه‌ی زمانی نیز سیاست صدور انقلاب به طور رسمی در سیاست خارجی جمهوری پیگیری نشد و هم چنان در سطح غیررسمی دنبال می‌شد. از این رو، عملاً تغییری در الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران رخ نداد. بلکه پس از عزل بنی صدر است که الگوی صدور انقلاب در اثر تغییر نخبگان و تصمیم گیرندگان از یک سو و تحول گفتمانی در سیاست خارجی ایران از سوی دیگر و پیروزی‌های ایران در جبهات جنگ، تغییر و تحول می‌یابد.

عزل بنی صدر در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۶۰ نقطه عطفی در سیاست صدور انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. زیرا، از این به بعد و به ویژه در دوره وزارت خارجه میرحسین موسوی در تیرماه ۱۳۶۰ که تا آذرماه ۱۳۶۰ ادامه یافت، سیاست صدور انقلاب اسلامی به صورت رسمی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. یعنی آن سیاست و الگویی که در دوره‌های پیشین در سطح غیررسمی پی گیری می‌شد رسماً توسط دولت و وزارت خارجه تعقیب گردیده به طوری که در این دوره کمیته‌ای در وزارت خارجه تشکیل شد تا اصول و مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران را تدوین و تعیین نماید. هم چنین طرح و برنامه‌ای برای تشکیل جبهه اسلامی در سراسر جهان ترسیم گردد تا وزارت خارجه آن را به عنوان سرلوحه خود برای مبارزه با امپریالیسم اجرا و اعمال نماید. افزون بر این شورای انقلاب اسلامی در برگیرنده مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، جنبش انقلاب اسلامی جزیره العرب، جبهه اسلامی آزادی بخش بحرین و گروه‌های آزادی بخش برای لبنان، تشکیل شد. گروه‌هایی که از طریق واحد نهضت‌های آزادی بخش سپاه با جمهوری اسلامی ایران در ارتباط بودند.^۵

۱-۲- معنا و مفهوم صدور

بنابراین، معنا و مفهوم صدور انقلاب در این دوره بر پایه «آگاهی بخشی» و «رهایی بخشی» تعریف و تعقیب می‌شود. معنای آگاهی بخشی از صدور انقلاب اسلامی بر این فرض استوار است که شرایط نامناسب و نابسامان ملل اسلامی و مستضعف ناشی از عدم آگاهی و خودباوری آنان است. از این رو یکی از مهم‌ترین رسالت‌های جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی آگاه ساختن توده‌های مسلمان و مستضعف

جهان از این وضعیت ناعادلانه، ظالمانه و استضعاف ناخود آگاه می‌باشد. بیداری اسلامی و احیای دینی در کشورهای اسلامی غایت و هدف این بیدارسازی در چارچوب صدور انقلاب اسلامی است.^۶ در این راستا امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود... می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند^۷ و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود.... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند... نجات دهند» آگاهی بخشی شرط لازم برای صدور انقلاب است ولی برای تحقق آن کافی نیست. با پایه عبارت دقیق‌تر آگاهی بخشی نخستین مرحله صدور انقلاب محسوب می‌شود که طی مراحل دیگری باید تکمیل گردد. از این رو، رهایی بخشی و آزاد سازی ملل مسلمان و مستضعف از ساختارهای سلطه و سرکوب و روابط ناعادلانه قدرت در سطوح داخلی و بین‌المللی معنا و مفهوم دیگر صدور انقلاب در این دوره است. بر مبنای این تصور و تلقی از صدور انقلاب، برای رها ساختن ملت‌های دیگر از قید و بندهای استبداد داخلی و استعمار و استکبار جهانی، علاوه بر آگاهی بخشی، باید آنان را بسیج کرد و به حرکت واداشت. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران، موجبات آزادی ملت ایران را از استبداد و استکبار فراهم ساخت، یکی از رسالت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز تلاش برای آزادی و آزاد سازی سایر ملت‌های مسلمان و مستضعف در بند استبداد و استعمار می‌باشد. این معنا و مفهوم از صدور انقلاب اسلامی را می‌توان «انقلاب مستمر» خواند. زیرا، انقلاب اسلامی ایران سرآغاز انقلاب‌های دیگر در جهان اسلام و استضعاف به شمار می‌رود. به گونه‌ای که انقلاب ایران در سایر جوامع مسلمان و مستضعف باز تولید می‌شود.^۸

۲-۱-۲- الگوی صدور: اشاعه عملی حکومت اسلامی

بر اساس این معنا و مفهوم از صدور، الگوی اشاعه حکومت اسلامی در چارچوب گسترش اسلام سیاسی و بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی اتخاذ گردید. انقلاب اسلامی ایران حاصل قرائت خاص و اصیل از اسلام بود که در آن دین و دولت، درهم آمیخته و تنیده‌اند. به طوری که اسلام یک ایدئولوژی است که در پی استقرار نظم سیاسی - اجتماعی در جامعه مسلمانان و در سطح بین‌المللی می‌باشد. از این رو، نخستین گام در راه تدارک انقلاب مستمر در این دو سطح، اشاعه و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی و پیرو آن اشاعه اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی، همان قرائتی از اسلام است که امام خمینی اسلام ناب محمدی نامید. مهم‌ترین عنصر آن تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد که در ایران تحقق یافته است.

اصول ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران را به این صورت می‌توان خلاصه کرد^۹: تلقی و تصور اسلام به عنوان یک شیوه و روش زندگی تمام عیار و فراگیر اولین اصل و ویژگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. اسلام یک گفتمان فرهنگی و سیاسی است. مجموعه‌ای از گزاره‌های منطقی مرتبط و نظام معنایی که طرز فکر و شیوه زندگی خاصی را ایجاد می‌کند و رفتارها و رویه‌های خاصی را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. از این رو، انقلاب اسلامی نیز مجموعه‌ای از ایده‌ها، انگاره‌ها، گزاره‌ها، باورها، مفاهیم و مقولات و معنای فرهنگی سیاسی، اجتماعی و مذهبی است که به حیات انسانی و اجتماعی معنا می‌بخشد و در رفتارها و رویه‌های اجتماعی - سیاسی نیز باز تولید می‌شود. براین اساس، صدور انقلاب اسلامی به معنای گسترش شیوه زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از گفتمان انقلاب اسلامی در سایر جوامع می‌باشد.^{۱۰}

دومین اصل ایدئولوژی انقلاب اسلامی آن است که علت اصلی و سرچشمه کلیه مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع و کشورهای اسلامی، پیروی از ایدئولوژی سکولاریزم و تز جدایی دین از دولت و سیاست است. چون اسلام، برخلاف مسیحیت، یک دین اجتماعی، سیاسی است و بر توفیق و درهم آمیختگی دین و دولت استوار می‌باشد. تاریخ اسلام نیز عجبین بودن دین و دولت را به خوبی آشکار می‌سازد. به طوری که پیامبر اسلام (ص) همزمان و توأمان رهبر دینی و سیاسی مسلمانان بودند و هر دو منصب را عهده دار بودند. این رویه در زمان خلفای راشدین نیز ادامه داشت و مناصب دینی و سیاسی در خلیفه مسلمین جمع شده بود. انقلاب اسلامی ایران، بنابراین، یک بدعت دینی نبود بلکه بدعت‌زدایی از سنت اصیل اسلامی بود.

اصل سوم ایدئولوژی انقلاب اسلامی، لزوم بازگشت به سنت اسلام راستین به معنای برقراری حاکمیت دینی الهی به جای سرمایه داری و سوسیالیسم است. چون تنها از طریق بازگشت به اسلام و حاکمیت دینی است که مسلمانان و جوامع اسلامی می‌توانند به شکوه و عظمت و اقتدار گذشته دست یابند. این اندیشه تحت عنوان بازگشت به خویشتن در آثار و افکار دکتر علی شریعتی نیز مورد تاکید قرار گرفته بود. قبل از او نیز اسلام‌گرایانی چون سید قطب و علامه اقبال لاهوری نیز لزوم و ضرورت بازگشت به اسلام را خاطر نشان ساخته بودند.

چهارمین اصل ایدئولوژی انقلاب اسلامی، ضرورت و لزوم طراحی و برپایی جامعه مطلوب و اجتماع اخلاقی و عادلانه مسلمانان بر اساس دین و شریعت اسلامی است. زیرا، شریعت و قانون اسلامی مبتنی بر وحی الهی بوده و از سوی خداوند بزرگ وضع گردیده است. این قانون، برخلاف قوانین بشری، جامع و مانع و فرازمانی و فرامکانی است که تمام

نیازهای زندگی فردی و اجتماعی بشر را برآورده می‌سازد. و از آنجا که اسلام، دین خاتم است، در نتیجه شریعت و قانون اسلامی نیز فرا تاریخی و جهان‌شمول است. به طوری که تنظیم روابط انسانی و اجتماعی در کلیه دوران‌ها در چهارچوب آن امکان پذیر می‌باشد. افزون بر این، چون این قوانین از طرف باری تعالی وضع گردیده است، عادلانه بوده و عدالت فردی و اجتماعی را نیز تضمین و تأمین می‌کند.^{۱۱}

اصل پنجم: ایدئولوژی اسلامی در انقلاب اسلامی، مشروعیت و ضرورت نبرد با کفر و ظلم و فساد در سطح داخلی و جهانی است. این اصل در چارچوب جهاد تعریف می‌شود که یکی از فروع دین مذهب تشیع می‌باشد. جهاد خود به دو نوع ابتدایی و تدافعی تقسیم می‌شود. همانطور که توضیح داده خواهد شد، جهاد ابتدایی یا جنگ آزادی بخش مشروط به حضور معصوم (ع) و اذن وی است. لذا، جهاد ابتدایی در عصر غیبت تحقق و مصداق نمی‌یابد. اما جهاد تدافعی به معنای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان نه تنها در عصر غیبت جایز است بلکه در بسیاری از مواقع واجب نیز می‌باشد.^{۱۲} بر این اساس، جنگ عراق علیه ایران را می‌توان در قالب این مفهوم از دفاع در اسلام تعریف نمود.

الگوی صدور انقلاب به معنای اشاعه و گسترش ایدئولوژی اسلامی در بیانات امام خمینی تصریح شده است. برای نمونه ایشان خطاب به مسئولین نظام بیان می‌دارند: «مایی که می‌خواهیم اسلام در همه جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود... می‌خواهیم با دعوت، با دعوت به همه جا، اسلام را صادر کنیم. ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم ولو الگوی ناقصی باشد نشان بدهیم»^{۱۳}. اگرچه، تلاش برای گسترش و بسط اسلام انقلابی یا اسلام سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد، ولی مسلمانان در سایر جوامع و کشورهای اسلامی در صورت لزوم مجازند برای حاکمیت اسلام به نبرد و مبارزه با حکام و حکومت‌های غیراسلامی و غیرانقلابی بپردازند. بر این اساس امام خمینی اظهار می‌دارند: «ایران می‌خواهد که اسلام را در خود و در سایر بلاد اسلامی عرضه کند و ترویج کند... علمای اسلام باید در صحنه بیایند... مسلمین را در صحنه نبرد بیاورند... دولت‌ها را آگاه کنند، اگر خاضع شدند دولت‌ها و حاضر شدند به مضامین اسلامی رفتار کنند، پذیرند آنها را و اگر حاضر نشدند، با آنها ستیز کنند و ترسند از چیزی»^{۱۴}.

بر اساس اصول پنجگانه ایدئولوژی اسلامی صدور و گسترش اسلام و ایدئولوژی اسلامی، آن گونه که رهبران انقلاب اسلامی تعریف و تعیین می‌کردند، متضمن و مستلزم اشاعه الگوی حکومت اسلامی به معنای تشکیل آن در جوامع و کشورهای اسلامی است. چون، همانگونه که توضیح داده شد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عنصر و رکن ایدئولوژی اسلامی و اسلام سیاسی، تشکیل حکومت و دولت اسلامی، شبیه جمهوری اسلامی ایران، در سایر

کشورهای مسلمان و سپس در عرصه جهانی است. بنابراین، الگوی انقلاب مستمر از طریق گسترش اسلام سیاسی نهایتاً به استقرار نظم اسلامی در چارچوب حاکمیت نظام اسلامی در جهان اسلام تحقق می‌یابد. الگویی که در دوره نخست جنگ به طور رسمی و غیررسمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پی‌گیری می‌شود، به طوری که جنگ تحمیلی ابزار مناسبی را برای تعقیب و تحقق این الگو و سیاست فراهم می‌سازد.

گسترش حکومت عدل اسلامی به عنوان الگوی غالب صدور انقلاب اسلامی در این دوره به طور همزمان در دو بعد صورت می‌گیرد. از یک طرف این الگوی حکومت اسلامی باید در قالب جمهوری اسلامی در ایران پیاده شود و سپس به سایر کشورها صادر شود. به طوری که یک الگوی عملی از حکومت اسلامی در ایران تحقق پیدا کند که واجد همه ویژگی‌های یک دولت اسلامی می‌باشد. این تلقی از صدور انقلاب در سخنان بنیانگذار جمهوری اسلامی آشکار است. از این رو ایشان می‌فرمایند «ما هر چه فریاد بزنیم که اسلامی هستیم و جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینند که در عمل غیر از آن هستیم، از ما دیگر باور نمی‌کنند. وقتی می‌توانند باور کنند از ما... که عمل ما طاغوتی نباشد، قول اسلامی، عمل اسلامی باشد و خود رفتار اسلامی باشد، گفتار اسلامی باشد تا صادر شود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها... صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلام، اخلاق انسانی در آنجاها رشد پیدا بکند و شماها موظف به این معنا هستید»^{۱۵}. در همین راستا ایشان در خصوص مردم انقلابی ایران و انقلاب اسلامی چنین می‌گوید «مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی‌شان نه تنها کشورهای اسلامی که مستضعفان جهان را با اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند»^{۱۶}.

رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران نیز در مورد ضرورت و لزوم صدور انقلاب در چارچوب تشکیل حکومت اسلامی در سایر کشورها به ائمه جماعات ۴۰ کشور اسلامی توصیه می‌کند تا مساجدشان را برای تحقق این هدف بکار گیرند. ایشان تصریح می‌کند که مسلمانان باید مساجد را به عنوان پایگاه عبادت و مبارزه برای «آماده سازی زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی در تمامی کشورها تبدیل نمایند»^{۱۷}. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان سایر کشورها به ویژه مبارزان مسلمان حمایت و پشتیبانی می‌کرد تا بتوانند در کشورهای خویش حکومتی اسلامی مشابه جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهند. بسیاری از انقلابیون جهان اسلام نیز تحت تأثیر الگوی حکومت اسلامی ایران قرار گرفتند و در صدد ایجاد آن در کشورشان برآمدند. از جمله، همانطور که ذکر شد، آیت ... روحانی رهبر شیعیان بحرین تهدید کرد اگر در این کشور حکومتی اسلامی همانند جمهوری اسلامی ایران تشکیل نشود آن را به ایران ضمیمه خواهد کرد^{۱۸}.

مهم‌ترین ویژگی حکومت اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی ایران که باید در سایر کشورها ایجاد شود استبداد ستیزی و استکبار ستیزی است. از این رو امام خمینی تصریح می‌کند «به حکومت‌های جابرانه که هستی شما را تحت اختیار دشمنان اسلام قرار داده اند بشورید و ممالک خود را از دست این خائنین سیه روی نجات دهید که خداوند با شماست». اما همانگونه که انقلاب اسلامی ایران علاوه بر استبداد ستیزی دارای ابعاد و آرمان استکبار ستیزی بود، لازمه صدور آن به معنای تکرار آن در سایر کشورها نیز مستلزم مبارزه و مقابله با استکبار و نظام سلطه است. بنیانگذار جمهوری اسلامی در این راستا اظهار می‌دارد «امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا برای همه مستضعفین، برای نجات همه مستضعفین به همه دنیا صادر شود و همه همان را که برای شما هست و غلبه کردید بر دشمن اسلام و دشمن ملت، مستضعفین هم غلبه کنند بر مستکبرین»^{۲۰}. فراتر از این امام خمینی به صراحت اعلام می‌دارد که یکی از اهداف سیاست خارجی ایران گسترش اسلام و مقابله با نظام سلطه جهانی است. «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری می‌گذارند، از آن باکی نداریم»^{۲۱}

۳-۱-۲- علل و عوامل تحول الگوی صدور

چندین عامل مختلف در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باعث تحول الگوی صدور انقلاب در دوره نخست جنگ شد. در دستور کار قرار گرفتن رسمی صدور انقلاب در قالب الگوی اشاعه و گسترش حکومت اسلامی در سایر جوامع اسلامی را می‌توان معلول تحول گفتمانی در سیاست خارجی، تغییر نخبگان و تصمیم گیرندگان، جنگ تحمیلی عراق، و اشغال افغانستان توسط شوروی دانست.

الف) تحول گفتمانی

یکی از مهم‌ترین علل و عوامل اتخاذ الگوی اشاعه حکومت اسلامی در چارچوب انقلاب مستمر در این دوره، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود. چون پس از عزل بنی صدر، گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی به عنوان یکی از خرده گفتمان‌های ابرگفتمان اسلام‌گرایی، بر سیاست خارجی ایران غالب و حاکم شد که تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت. براساس این گفتمان، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراملی است که اهداف و آرمان‌های فراملی اسلامی دارد. این اهداف بر اهداف ملی و داخلی اولویت و ارجحیت دارند. این گفتمان، به آموزه انقلاب مستمر در مقابل انقلاب مستقر مبنی بر تثبیت و تحکیم انقلاب در داخل ایران دارد. لذا، به جای تحکیم دستاوردهای داخلی انقلاب اسلامی باید به تحقق

آرمان‌ها و اهداف فراملی آن در فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران همت گماشت. بنابراین، تکرار و استمرار انقلاب اسلامی در جوامع متجانس اسلامی و غیرمتجانس از طریق گسترش ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی اولین و مهم‌ترین مسئولیت و ارجحیت سیاست خارجی نظام سیاسی برآمده از آن است. در نتیجه، صدور انقلاب اسلامی به معنای اشاعه و ترویج حکومت اسلامی به وسیله حمایت از مسلمانان و مستضعفین در چارچوب پشتیبانی همه جانبه از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی بخش، مبارزه و مقابله با استکبار و امپریالیسم حائز اهمیت و اولویت ویژه‌ای هستند.^{۲۲}

بسترسازی برای استقرار نظم انقلابی در کشورهای دیگر مستلزم دو اقدام همزمان ایجابی و سلبی است. نخست برقراری رابطه با ملت‌ها و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش. دوم، مبارزه و مقابله با دولت‌ها و نظام‌های سیاسی محافظه کار جهان اسلامی و قدرتهای استکباری و سلطه‌گر به عنوان مواضع صدور و وقوع انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران. این عناصر گفتمانی آرمان‌گرایی آشکارا در سخنان تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران در این دوره متجلی می‌باشد. برای مثال، میرحسین موسوی وزیر خارجه وقت جمهوری ایران در باره اصول سیاست خارجی کشور اظهار می‌دارد «... وزارت امور خارجه همان‌طور که در برنامه دولت نیز مطرح شده، در جهت مبارزه با استکبار جهانی به عنوان یک اصل حرکت خواهد کرد و به ندای مظلومانه‌ای که از میان ملل مستضعف جهان بلند شود، پاسخ مثبت خواهد داد و به نهضت‌های آزادی بخش که در راه حق و راه بهروزی انسانها مبارزه می‌کنند، کمک خواهد کرد».^{۲۳}

بنابراین، طبیعی است که پس از حاکمیت این گفتمان برسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جای گفتمان ملی‌گرایی لیبرال، که انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب ملی تلقی می‌کرد و به صدور انقلاب قائل نبود، ایده و سیاست صدور انقلاب به صورت یک هدف و اصل در سیات خارجی پیگیری شود. چون همان‌طور که توضیح داده شد، گفتمان و عناصر آن رویه‌ها و رفتارهای خاصی را در عرصه عملی سیاست خارجی ایجاب و الزام می‌کنند. لذا، یکی از دلایل و عوامل اتخاذ الگوی اشاعه حکومت اسلامی به عنوان یکی از عناصر ایدئولوژی اسلامی را باید حاکمیت گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی برسیاست خارجی جمهوری اسلامی دانست.

ب) حاکمیت کارگزاران اسلام‌گرا

با استعفای دولت موقت، پالایش حاکمیت جمهوری اسلامی از نیروهای ملی‌گرایی لیبرال آغاز شد. این پاکسازی پس از عزل بنی صدر در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۶۰ تکمیل و کامل شد. به طوری که از این پس حاکمیت و حکومت کاملاً در دست انقلابیون مکتبی

یا اسلام گرایان قرار گرفت. اسلام گرایان به عنوان عاملان و حاملان گفتمان آرمان گرایی اسلامی نقش تعیین کننده‌ای در اتخاذ و اجرای الگوی اشاعه حکوت اسلامی در قالب تر انقلاب مستمر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا کردند. زیرا، برخلاف ملی گرایان لیبرال چون مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی، صادق قطب زاده و ابوالحسن بنی صدر که اعتقادی به صدور انقلاب نداشتند، کارگزاران سیاست خارجی در این دوره مانند محمد علی رجایی، محمد جواد باهنر، میرحسین موسوی و علی اکبر ولایتی بر لزوم و ضرورت صدور انقلاب تأکید می ورزیدند.^{۲۴}

بنابراین، زمانی که این کارگزاران و تصمیم گیرندگان در منصب و مسند سیاست گذاری و تصمیم گیری سیاست خارجی قرار گرفتند با شدت در پی صدور انقلاب اسلامی به صورت رسمی برآمدند. چون آنان بر این باور بودند که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی وظایف و تکالیفی فراتر از مرزهای جغرافیایی و ملت ایران دارد. به طوری که در قبال حقوق و منافع همه مسلمانان و مصالح امت اسلام مسئول و مکلف می باشد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تعقیب و تأمین منافع و اهداف ملت ایران، مصالح و آرمان‌های امت اسلامی را نیز باید در سیاست خارجی پیگیری کند. یکی از مهم ترین اهداف اسلامی و فراملی سیاست خارجی نیز صدور انقلاب اسلامی به معنای گسترش ارزش‌های اسلامی و انقلابی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی جهت تأسیس و تشکیل حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در سایر کشورهای اسلامی است.^{۲۵}

برای نمونه محمد علی رجایی نخست وزیر وقت در مورد بعد استکبار و سلطه ستیزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از سقوط دولت موقت چنین می گوید «اشغال جاسوس خانه به شعار بعد از شاه نوبت آمریکا است، تحقق عینی بخشید و به راستی تا زمان اشغال جاسوس خانه هنوز نوبت آمریکا فرا نرسیده بود... اشغال جاسوس خانه... خط «نه شرقی - نه غربی» امام را طوعاً و یا کرهاً بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم کرد. سیاستی که در عین مبارزه بی امان با غرب جنایتکار کوچک‌ترین امیدی به شرق تجاوزگر نداشته و در مقابله با سلطه طلبی شرق دست نیاز به سوی غرب دراز نمی کند»^{۲۶}. به همین صورت نخست وزیر، محمدجواد باهنر چنین بیان می دارد «به طور کلی حمایت از منافع نهضت ها... و توده‌های مستضعف جهان، در صدر برنامه‌های سیاست خارجی قرار دارد و ابرقدرت‌ها و قطع سلطه آنها در خور حاکمیت اسلامی و به طور کلی مبارزه با استکبار جهانی و زور مداری»^{۲۷}

کارگزاران و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران در این دوره به امنیت بسط محور به جای امنیت حفظ محور باور داشتند. به گونه‌ای که آنان حفظ و تأمین امنیت انقلاب و

جمهوری اسلامی ایران را در گرو گسترش و بسط قلمرو و گستره ایدئولوژی اسلامی و ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران می‌دانستند. به سخن دیگر، اسلام گرایان بهترین دفاع از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را حمله ایدئولوژیک و انقلابی به سنگرهای نظام‌های محافظه‌کار و سلطه‌گر در سطح منطقه و جهان می‌پنداشتند. بنابراین، راهبرد امنیت بسط محور ماهیتی کاملاً تدافعی داشت که از طریق گسترش مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران تأمین می‌شد.^{۲۸} اسلام گرایان در اثبات رویکرد بسط محور خود به این سخن امام خمینی استناد می‌کردند که «ما باید با شدت هر چه بیشتر انقلاب خود را به جهان صادر کنیم. و این طرز فکر را که قادر به صدور نیستیم کنار بگذاریم... اگر ما در محیط محدودی باقی بمانیم. قطعاً با شکست روبرو می‌شویم»^{۲۹}.

ج) جنگ تحمیلی عراق

تجاوز آشکار عراق به ایران و آغاز جنگ هشت ساله نقش تعیین کننده‌ای در تحول الگوی صدور انقلاب اسلامی ایفا کرد. به طوری که در نیمه اول جنگ، که نه تنها سیاست صدور انقلاب متوقف نشد بلکه در قالب الگوی اشاعه حکومت عدل اسلامی تقویت و تشدید شد. تجاوز عراق موضع اسلام گرایان آرمان‌گرا را مبنی بر لزوم و ضرورت اشاعه و گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در چارچوب راهبرد امنیت بسط محور را به شدت تقویت نمود. زیرا آنان استدلال کردند که در صورت محدود ساختن انقلاب اسلامی در درون مرزهای ایران، دشمنان انقلاب فرصت کافی یافته و در خاک ایران آن را مورد تهاجم قرار می‌دهند. از این رو، بر اساس استراتژی دفاع پیشگیرانه باید دست به تهاجم ایدئولوژیک زد و خود انقلاب را در موضع تدافعی قرار داد. پیروزی‌های گسترده ایران در عملیات فتح‌المبین و بیت المقدس که منجر به آزاد سازی بخش‌های وسیعی از خاک کشور از جمله فتح خرمشهر شد، نقش بسیار مهمی در اتخاذ الگوی صدور عملی انقلاب از طریق اشاعه مدل حکومت اسلامی در سایر کشورها ایفا کرد.

برای مثال، مجله پیام انقلاب ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «سپاه و صدور عملی انقلاب» پنج روز پس از آزاد سازی خرمشهر در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۶۱ صراحتاً به این الگوی صدور انقلاب این چنین تحلیل و توصیه می‌کند:

«اساسی‌ترین کار در شرایطی که استکبار جهانی بر منافع ملت‌ها یورش آورده است و بزرگ‌ترین هدف خود را در محصور کردن ایران در مرزهای جغرافیاییش قرار داده است حرکت عملی در جهت صدور عملی انقلاب است. به خصوص که این حرکت در افشا و انزوای کلیه نیروهای داخلی و خارجی که موضع مخالف و خصمانه در برابر انقلاب گرفته‌اند

بسیار مؤثر است. به علاوه این حرکت باعث می‌شود که دشمن جهانی در نقاط مختلف جهان مشغول گشته و نیروهای ذخیره پشتیبان انقلاب در کشورهای منطقه نیز موضع خود را در دفاع از منافع انقلاب اسلامی فعال‌تر کنند. این است که حمله قاطعانه بر منافع دشمن جهانی انقلاب موجب می‌شود که دشمن حالت تدافعی به خود گرفته و او را گیج و سردرگم کرده و زمینه را برای فعالیت ما در جهت تکمیل الگوی انقلاب فراهم کند... انقلاب، انقلاب اسلامی است. اسلام هم از آن همه جهان است بنابراین اسلام مرز ندارد... ما بدون این که طمع در اشغال «یک کشور» داشته باشیم و بدون اینکه یک وجب خاک را هم بخواهیم اشغال کنیم، می‌خواهیم هر کشوری به دست مسلمانان و مستضعفین همان منطقه اداره شود و ما در انقلاب می‌خواهیم حامی آنها باشیم و از آنها حمایت کنیم.

صدور انقلاب از ویژگی‌های اولیه انقلاب اسلامی است و چنانچه نسبت به صدور پیام فکری و فرهنگی انقلاب به جهان تلاش کنیم، پویایی و حرکت آن در داخل از بین می‌رود، و انقلاب به خطر تهدید می‌گردد. و لذا می‌بایست واحد نهضت‌های آزادی بخش تحت نظر مقام رهبری و ولایت فقیه با قدرت بیشتر و دور از ضوابط دست و پاگیر دوستی انجام وظیفه نماید.

«ماهیت مکتبی انقلاب اقتضا می‌کند که به مظلوم در هر نقطه از جهان کمک شود و این رسالت تنهادر محدوده ملت‌های اسلامی خلاصه نمی‌شود بلکه رهایی مستضعفین در هر نقطه از جهان در رفع ظلم و ستم و تجاوز از دوش آنها رسالت انقلاب اسلامی... را تشکیل می‌دهد.» بنابراین، جنگ ماهیتی دفاعی داشت و جمهوری اسلامی ایران در آن از موجودیت و بقا خود و انقلاب اسلامی دفاع می‌کرد، ولی درعین حال بستر و ابزار بسیار مناسبی را برای صدور انقلاب فراهم ساخت. با این وجود، نباید استفاده بهینه جمهوری اسلامی از جنگ برای صدور انقلاب را به مثابه تلاش برای توسعه طلبی و فتح سرزمینی تلقی کرد. دفاع ایران از خود و انقلاب اسلام مصداق بارز جهاد دفاعی است که در همه حال، چه در عصر غیبت و چه در عصر حضور معصوم «ع» بر مسلمانان واجب است. افزون بر این پاسخ مثبت دادن به تقاضای کمک مسلمانان و مستضعفان و حمایت نظامی از آنان برای رهایی از ظلم و سلطه یکی از مصادیق جهاد دفاعی است.^{۳۱}

براین اساس، تلاش جنگ برای صدور انقلاب از طریق حمایت از مردم عراق و مبارزان عراقی به ویژه مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق یکی از مصادیق جنگ آزادی بخش است که خود نوعی جنگ تدافعی محسوب می‌شود. زیرا برای رفع ظلم و ستم از مسلمانان مظلوم صورت می‌گرفت. فراتر از این، جنگ با عراق، به ویژه پس از فتح خرمشهر، باعث شد تا رهبران جمهوری اسلامی در چارچوب جنگ آزادی بخش تدافعی صراحتاً از لزوم

آزادی مردم فلسطین و لبنان از طریق مبارزه و جنگ با اسرائیل بگویند. برای مثال هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه ۱۳۶۱ چنین می گوید «ما به عنوان مسلمان و به عنوان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی جزء وظایف خودمان می بینیم که همان طور که در ایران جنگیدیم، در لبنان هم بجنگیم و تا در منطقه، اسرائیل به این صورت باشد، ما نمی توانیم فارغ البال باشیم»^{۳۲}. در همین راستا وزارت امور خارجه ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ تصریح کرد «نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران و برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... آماده اند تا در کنار کشور سوریه و مردم محروم لبنان و جنگجویان سازمان آزادی بخش فلسطین... علیه رژیم اسرائیل وارد جنگ شوند تا شر این غده چرکین را از جامعه بشری بردارند»^{۳۳}.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که جنگ بیشترین تأثیر در اتخاذ الگوی فیزیکی انقلاب از طریق حمایت از نهضت ها و جنبش های آزادی بخش در فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان داشت. چون از یک طرف باعث تثبیت گفتمان آرمان گرایی در سیاست خارجی ایران شد. از این رو، موضع آرمان گرایان مبنی بر لزوم و ضرورت بسط انقلاب اسلامی جهت تأمین امنیت و بقا انقلاب و جمهوری اسلامی را تقویت و تحکیم بخشید. از دیگر سو، این اعتماد به نفس را در تصمیم گیرندگان و رهبران جمهوری اسلامی به وجود آورد تا با شدت از نهضت های آزادی بخش حمایت و پشتیبانی نمایند. به ویژه پیروزی های ایران در جبهه های جنگ در سال های ۶۰ و ۶۱ این تصور را تقویت کرد که می توان با شکست عراق زمینه و امکان تشکیل حکومت اسلامی در عراق را فراهم ساخت. پس از تشکیل حکومت اسلامی در عراق نیز، مسیر لازم برای تکرار انقلاب در فلسطین و لبنان نیز فراهم می گردید.

د) اشغال افغانستان توسط شوروی

حمله شوروی به افغانستان و اشغال این کشور در دی ماه ۱۳۵۸ چند ماه پیش از تجاوز عراق به خاک ایران نیز نقش تعیین کننده ای در اتخاذ و تقویت الگوی صدور انقلاب مستمر مبنی بر اشاعه حکومت اسلامی در کشورهای اسلامی از جمله افغانستان داشت. زیرا، جمهوری اسلامی و به ویژه اسلام گرایان پس از سقوط دولت موقت، در چارچوب تعهدات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی حمایت از مجاهدین افغان را یکی از وظایف و تکالیف انقلابی آن تلقی می کردند. به گونه ای که با شکل گیری گروه های مجاهد افغانی زمینه بسیار مناسب و مساعدی برای تکرار الگوی انقلاب اسلامی ایران در افغانستان مهیا شده بود که جمهوری اسلامی باید از طریق حمایت همه جانبه از آنان به تشکیل حکومت اسلامی در این کشور کمک نماید. از این رو، شورای انقلاب بلافاصله طی بیانیه ای اشغال افغانستان توسط شوروی را محکوم کرد و خواهان خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای این کشور

از افغانستان شد. وزارت خارجه ایران نیز طی یادداشتی، سفارت شوروی در تهران رژیم دست‌نشانده شوروی در افغانستان را رژیمی غاصب و «تحمیلی» قلمداد کرد و آن را به رسمیت نشناخت.^{۳۴}

براین اساس، جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب اسلامی به افغانستان از طریق ایجاد حکومت اسلامی در این کشور، به حمایت همه‌جانبه از مجاهدین افغانی پرداخت، این حمایت پس از حمله عراق به خاک ایران نه تنها کاهش نیافت بلکه به علت پشتیبانی تسلیحاتی شوروی از عراق، افزایش نیز یافت. به ویژه، ایران تلاش کرد تا از شیعیان افغانستان به عنوان یک نیروی سیاسی فعال در عرصه این کشور حمایت کند. در حقیقت با توجه به ماهیت بحران و جنگ در افغانستان مبنی بر رویارویی مسلمانان با کفار، حمایت از مجاهدین افغان مصداق بارز جنگ آزادی بخش تلقی می‌شد. لذا جمهوری اسلامی خود را موظف و مکلف می‌دید که از مجاهدین افغانستان حمایت نماید. این امر، بهترین فرصت برای تأسیس حکومت اسلامی در افغانستان را نیز ایجاد کرده بود.

بنابراین، رهبران جمهوری اسلامی، به ویژه امام خمینی به صراحت از مردم افغانستان که بر علیه اشغال‌گران شوروی می‌جنگیدند حمایت و پشتیبانی می‌کردند. برای نمونه امام خمینی در این رابطه می‌گوید «ما از نهضت‌های آزادی بخش سراسر جهان که در راه خدا، حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. ما بار دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغال‌گران را شدیداً محکوم می‌نمائیم»^{۳۵} اشغال افغانستان از این جهت به تصویب الگوی صدور فیزیکی انقلاب اسلامی کمک کرد چون، همانطور که ذکر شد، در چارچوب جنگ رهایی بخش اسلامی مشروع و مجاز بود، به طوری که از آنجا که مجاهدین افغانی علیه یک دولت اشغالگر می‌جنگیدند حمایت نظامی از آنان نیز مصداق مداخله در امور داخلی یک کشور دیگر تلقی نمی‌شد.

۲-۲- دوره دوم: ۱۳۶۷ - ۱۳۶۳

حمله عراق به ایران، اگرچه در سال‌های نخستین جنگ و به ویژه پس از فتح خرمشهر، سیاست صدور را تشدید و تقویت کرد. اما به تدریج با طولانی و فرسایشی شدن جنگ و معنا و الگوی صدور انقلاب دستخوش دگرگونی و تحول شد. به گونه‌ای که صدور انقلاب مفهوم و ماهیتی فرهنگی می‌یابد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱- معنا و مفهوم صدور

در دوره دوم جنگ صدور انقلاب از مفهوم رهایی بخشی که در نیمه نخست جنگ حاکم بود فاصله گرفت و به صورت تبیین و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف گردید. از این رو صدور انقلاب به معنای تشریح و معرفی اهداف، آرمان‌ها و

آموزه‌های آن برای مردمان و ملل مشتاق می‌باشد. به گونه‌ای که برخلاف گذشته، صدور انقلاب اسلامی متضمن و مستلزم ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نیست. هم چنین متضمن حمایت فیزیکی از جنبش‌های آزادی بخش برای تأسیس حکومت اسلامی مشابه ایران توسط آنان نمی‌باشد. بلکه صدور انقلاب مفهومی برای پراکندن و گسترش ارزش‌ها و هنجارها و رساندن پیام انقلاب به دیگران است. فرآیندی که الهام بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان هدفی دست یابند که پیشتر ملت ایران آن را تجربه کرده است.

از این رو، مجله پیام انقلاب در خرداد ماه ۱۳۶۲ به این مفهوم از صدور انقلاب اشاره کرده و چنین می‌نویسد صدور انقلاب صرفاً به معنای فیزیکی و مکانیکی آن نیست، بلکه هدف، حمایت و یاری معنوی جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی بخش و دادن خط فکری و هستی سیاسی بدان هاست.... به عبارت دیگر ما می‌خواهیم ارزش‌های والای انسانی و الهی و اسلامی انقلابمان را برای آگاهی بخشیدن توده‌های مستضعف و زیر سلطه به تمامی جهان صادر کنیم»^{۳۶}.

بر این اساس از این تاریخ به بعد این معنا و مفهوم از صدور انقلاب در سخنان و اظهارات رهبران انقلاب آشکار می‌گردد. به طوری که آنان، صدور انقلاب را به معنای تبیین و ترویج الگوی مبارزاتی انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی و انسانی آن تعریف می‌کنند. برای مثال امام خمینی در این باره می‌گوید: «ما می‌گوئیم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی نه ما گفتیم، نه ما می‌توانیم. اما آنکه می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند... اسلام را آن طوری که هست، آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آن طوری که در روایات و در قرآن ما هست، آن طور به مردم ارائه بدهید و به دنیا ارائه بدهیم و همین خودش از هزارها توپ و تانگ، بیشتر می‌تواند مؤثر باشد»^{۳۷}.

۲-۲-۲ الگوی صدور: اشاعه الگوی عملی حکومت اسلامی

الگوی صدور انقلاب نیز در این دوره تحول و تغییر یافت. به طوری که الگوی انقلاب مستقر جایگزین انقلاب مستمر شد. تز انقلاب مستقر به معنای تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام است. این الگو متضمن نوعی الگوسازی از جمهوری اسلامی ایران به صورت یک دولت سرمشق و تثبیت آن می‌باشد. بنابراین، برخلاف الگوی انقلاب مستمر که در صدر ایجاد انقلاب‌های مشابه یا تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی است، مدل انقلاب مستقر در پی

برپایی یک دولت نمونه اسلامی در ایران و سپس تبیین و ترویج آن برای دیگران است. این دولت سرمشق، حکومتی اسلامی، عدالت طلب، استکبار ستیز، صلح طلب، استبداد ستیز و سنگر انقلاب است که باید به دیگر ملت‌ها و کشورهای مسلمان و مستضعف معرفی شود. مهم‌ترین ویژگی جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت سرمشق، اسلامی بودن آن است که می‌تواند توسط دیگر کشورها الگو برداری شود. به طوری که آنچه جمهوری اسلامی را از دیگر دولت - ملت‌ها متمایز می‌سازد ماهیت اسلامی آن است. قائم مقام وقت رهبری در این باره چنین تصریح می‌کند «مسأله صدور انقلاب... موضوع مداخله مسلحانه نیست» بلکه هدف این است که اگر ما کشورمان را براساس اسلام بسازیم، اگر سنن پیامبر و ائمه معصومین را سرمشق خود قرار دهیم، و اگر اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌هایی را که اسلام بر آنها تاکید کرده است، اجرا کنیم به وسیله آن نکته کشورمان و انقلابمان سرمشقی برای سایر کشورهای مستضعف و آن کشورهایی خواهد شد که تحت سرکوب و ستم ابرقدرتها قرار گرفته‌اند. آنها برای آزادی خود از یوغ استکبار راه ما را انتخاب خواهند کرد»^{۳۸}.

یکی دیگر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که می‌تواند الگو و سرمشق سایر ملت‌ها قرار گیرد استبداد ستیزی و ظلم ستیزی است. به طوری سایر ملت‌های مظلوم که گرفتار استبداد هستند بتوانند از تجربه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در رهایی از ظلم و استبداد استفاده نمایند. امام خمینی در این باره چنین می‌گوید: «ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌هایی پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست»^{۳۹}.

استکبار ستیزی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های یک دولت سرمشق اسلامی است که در قالب جمهوری اسلامی ایران تبیین یافته است و ملت‌های دیگر می‌توانند از آن الگو برداری کنند. امام خمینی در این مورد تصریح می‌کند «امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و برای همه مستضعفین، برای نجات همه مستضعفین به همه دنیا صادر شود و همان راهی که برای شما هست و غلبه کردید بردشمن اسلام و ملت، مستضعفین هم غلبه کنند بر مستکبرین»^{۴۰}. ایشان در جایی دیگر بیان می‌دارد «ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی این ویژگی‌ها را داشته باشد و این معنایی که در ایران تحقق پیدا کرده است در همه ممالک اسلامی باشد و این انقلاب صادر بشود به همه ممالک اسلامی و هم مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و حق خودشان را بگیرند و باید بدانند که حق، گرفتاری است»^{۴۱}.

عدالت طلبی و تلاش برای تشکیل یک حکومت عدل اسلامی در داخل و سپس معرفی آن

به عنوان یک الگو برای سایر مسلمانان و جهانیان نیز یک وجه بارز جمهوری اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران اگر در قالب جمهوری اسلامی تحکیم و تثبیت گردد می‌تواند سرآغاز گسترش عدالت اسلامی در جهان باشد. این هدف از طریق وحدت سیاسی و فرهنگی جهان اسلام فراهم می‌گردد که لازمه آن صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به سایر جوامع اسلامی و غیراسلامی می‌باشد. بنابراین امام خمینی اظهار می‌دارد «من امیدوارم که این عدالتی که به یمن وجود اسلام و اولیاء اسلام در بین بشر آمد، ما بتوانیم بعد از دو هزار و پانصدسال ظلم و بعد از پنجاه سال خیانت و ظلم، ستم و چپاولگری بتوانیم در ایران اولاً و در سایرجهان بعدها پیاده کنیم»^{۴۲}.

براین اساس الگوی صدور انقلاب اسلامی در دوره دوم جنگ به صورت صدور فرهنگی از طریق گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی است. نه تشکیل حکومت اسلامی در سایر کشورها با ایجاد انقلاب مستمر در آنها. از این رو، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت تصریح می‌کند «ما به صدور انقلابمان ادامه خواهیم داد، اما به صورت فرهنگی»^{۴۳} صدور فرهنگی انقلاب نیز به معنای صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی است. زیرا، همانطور که امام خمینی می‌گوید «صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست... صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است. صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خو کفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار...»^{۴۴}. اما برای دستیابی به این اهداف نخست باید انقلاب اسلامی در ایران به عنوان سنگر انقلاب مستحکم کرد تا سرمشق دیگران قرار گیرد.

مهم‌ترین ابزار و وسیله صدور فرهنگی انقلاب نیز تبلیغات به شیوه‌های مختلف در سطوح دولتی و غیردولتی می‌باشد. اگرچه بیشترین مسئولیت و وظیفه در تبلیغ و ترویج الگوی انقلاب اسلامی دولت جمهوری اسلامی است ولی علاوه بر آن نهادها و افراد غیردولتی نیز نقش تعیین کننده‌ای در تبیین، ترویج و تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایفا می‌کنند. بنابراین، امام خمینی خطاب به دیپلمات‌ها می‌گوید «ما اسلام را فقط وقتی صادر کرده‌ایم که به رشد اسلام و اخلاق اسلامی در آن کشورها کمک کنیم. شما مسئولید و این وظیفه‌ای است که شما باید انجام دهید... این تکلیف است». از طرف دیگر ایشان به دانشجویان مقیم خارج از کشور توصیه می‌کند که «کارهای شما، عملتان و رفتارتان باید نمونه باشد و به واسطه شما انقلاب اسلامی به جاهای دیگر برود»^{۴۵}. اما همانطور که گفته شد وظیفه اصلی تبلیغ دستاوردهای انقلاب اسلامی برعهده وزارت خارجه است. امام خمینی در این رابطه می‌گوید «شما باید در هر سفارتخانه‌ای که دارید... آن مخارج را صرف تبلیغات بکنید... در مقابل هم تبلیغاتی که می‌شود، از هر جور تبلیغاتی که می‌شود جواب بدهید و آشنا کنید

ممالک دیگر را، کشورهای دیگر را به آن چیزی که در ایران هست و آن طوری که در ایران می‌گذرد، آشنا کنید مردم را با اسلام و با نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی... صدور با سرنیزه صدور نیست صدور با زور صدور نیست»^{۴۶}.

در راستای استفاده از ابزار تبلیغات برای صدور فرهنگی انقلاب اسلامی مراسم حج نقش تعیین کننده‌ای در این دور ایفا کرد. به طوری که در جریان این مراسم اسلامی که میلیون‌ها مسلمان از سراسر جهان شرکت دارند، جمهوری اسلامی تلاش کرد با برپایی راهپیمایی براثت از مشرکین، پیام انقلاب اسلامی را به گوش سایر مسلمانان جهان برساند. ایران در این مراسم تلاش کرد ماهیت وابسته حکام و حکومت‌های کشورهای اسلامی به ابرقدرت‌ها و مشرکین را به نمایش بگذارد و مسلمانان را به مبارزه با آنان فراخواند. هم چنین ایران سعی داشت تا ماهیت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را به عنوان جنگ کفر علیه اسلام آشکار سازد. جنگی که در آن کلیه قدرت‌های استکباری و هم پیمانانشان در جهان عرب علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی متحد شده بودند. امام خمینی در پیام‌هایی که به حجاج مسلمان می‌داد بر این موارد تأکید کنند. ایشان در پیام سال ۱۳۶۶ به کنگره حج چنین می‌نویسد:

«آری شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد... مسلمانان بعد از شرکت در راه پیمایی براثت و اعلام همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر بیرون کردن استعمار از کشورها و سرزمین‌های اسلامی خود باشند... امروز بدون شک، سرنوشت هم امت‌ها و کشورهای اسلام به سرنوشت ما، در جنگ گره خورده است. جمهوری اسلامی در مرحله‌ای است که پیروزی آن، به حساب پیروزی همه مسلمانان و خدای نخواستگ شگست آن، به حساب ناکامی و شکست و تحقیر همه مومنان می‌انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خواست»^{۴۷}.

هم چنین جمهوری اسلامی ایران سعی نمود تا از جنگ دفاعی خود با رژیم بعث عراق نیز برای صدور انقلاب اسلامی به معنای معرفی الگوی حکومت دینی در چارچوب ام القرای جهان اسلام استفاده بهینه کند. به ویژه جمهوری اسلامی تلاش کرد تا حقانیت خود در جنگ و ماهیت ضد اسلامی رژیم بعث عراق و حمایت قدرت‌های استکباری و هم پیمانان آنها در جهان عرب و اسلام از صدام حسین را نشان دهد. بر این اساس امام خمینی در پیام مشهور به منشور روحانیت در بهمن ماه ۱۳۶۷ در باره دستاوردهای جنگ به خصوص در

زمینه صدور انقلاب چنین می نویسد:

«هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ، به جهان صادر نموده‌ایم ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ، ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم. ما در جنگ... ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرتها، سالیان سال می‌توان مبارزه کرد. جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت... جنگ ما، بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت... و از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت»^{۴۸}.

۳-۲-۲- علل و عوامل تحول الگوی صدور

علل و عوامل متعددی باعث تحول و تغییر در الگوی صدور انقلاب در دوره دوم جنگ شد. به سخن دیگر، چند عامل باعث شدند تا الگوی صدور انقلاب مستر جای خود را به الگوی صدور انقلاب مستقر بدهد. مهم‌ترین این علل و عوامل عبارتند از تحولات جنگ، تحول گفتمانی در سیاست خارجی ایران و واکنش‌های منطقه‌ای و جهانی به انقلاب اسلامی و سیاست‌های صدور در سیاست خارجی ایران.

الف - تحولات جنگ

بی تردید مهم‌ترین علت تغییر و تحول در الگوی صدور انقلاب اسلامی در این دوره را باید تحولات در جبهه‌های جنگ قلمداد کرد. زیرا، پس از پیروزی‌های گسترده ایران در اواخر سال ۶۰ و اوایل سال ۶۱ نیروهای نظامی ایران جهت تنبیه متجاوزین عراقی و تضمین امنیت و تمامیت ارضی کشور وارد خاک عراق شدند. از این پس به خصوص در سالهای ۶۲ و ۶۳، ایران به پیروزی چشمگیری دست نیافت که بتواند از آن برای دفع تهدید عراق و برگ برنده‌ای در مذاکرات صلح احتمالی استفاده کند. به طوری که تا فتح فاو در بهمن ماه ۱۳۶۵ نوعی رکود بر جبهه‌های جنگ حاکم شد. مهم‌ترین دلیل این وضعیت نیز حمایت بی دریغ قدرت‌های بزرگ و کشورهای محافظه کار عرب از صدام حسین در جنگ با ایران بود.

این وضعیت باعث شد که جمهوری اسلامی ایران به این جمع‌بندی برسد که حفظ و تثبیت انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی بر تداوم انقلاب مستمر در سایر کشورها اولویت دارد. از این رو، ایران کلیه توان نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را برای بقا جمهوری اسلامی و حفظ انقلاب اسلامی در درون ایران مصروف داشت. هزینه‌های هنگفت جنگ امکان حمایت‌های مالی و تسلیحاتی گسترده از جنبش‌های آزاد بیخس را نمی‌داد. هم چنین ضرورت و لزوم حضور کلیه نیروها در جنگ علیه صدام حسین باعث شد که ایران علیرغم

تلاش‌های گذشته خود برای اعزام نیرو به لبنان، از این کار صرف نظر کند. به گونه‌ای که شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد سرلوحه رفتار ایران قرار گرفت.^{۴۹}

ب) تحول گفتمانی در سیاست خارجی

دومین عامل تغییر در الگوی صدور انقلاب تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. در سال ۱۳۶۳، گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی یا به بیان دیگر آرمان‌گرایی مرکز محور جایگزین گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی یا امت محور شد. این گفتمان رویکرد متفاوتی به انقلاب اسلامی و صدور آن داشت. به عبارت دیگر، معنا و مفهوم و الگوی صدور انقلاب اسلامی در گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی از آرمان‌گرایی اسلامی متفاوت بود. مصلحت‌گرایی اسلامی گرچه مانند آرمان‌گرایی، انقلاب اسلامی ایران را فراملی و دارای اهداف و آرمان‌هایی فراملی می‌داند. اما به جای استراتژی انقلاب مستمر، به راهبرد تثبیت و تحکیم انقلاب اسلامی در جامعه داخلی ایران در چارچوب انقلاب مستقر اعتقاد داشت. اگرچه براساس جهان‌شمولی اسلام، صدور انقلاب از طریق حمایت از مسلمانان و مستضعفان، پشتیبانی از نهضت‌های رهایی‌بخش و مبارزه با استکبار جهانی از بهترین اهداف انقلاب اسلامی است، اما تحقق و تأمین این اهداف باید با رعایت مصلحت اسلام و مسلمین صورت پذیرد. در صدر همه این مصالح نیز حفظ موجودیت نظام جمهوری اسلامی قرار دارد. زیرا، مهم‌ترین هدف و آرمان انقلاب اسلامی، ایجاد حکومت اسلامی در ایران بوده است. حال اگر مقدم داشتن اهداف فراملی از جمله صدور انقلاب به صورت فیزیکی و مستمر باعث شکست جمهوری اسلامی شود، نقض غرض بوده و جایز نیست.

بنابراین، برخلاف آرمان‌گرایی در این گفتمان آرمان‌های فراملی انقلاب از جمله صدور فیزیکی انقلاب جزو اهداف استراتژیک انقلاب است که باید به صورت تدریجی در بلندمدت تحقق یابد. هم‌چنین مصلحت‌گرایی، حداقل در کوتاه مدت، رویکردی حفظ‌محور و تدافعی به اهداف اسلامی انقلاب، به ویژه صدور انقلاب اسلامی داشت. فراتر از این، از منظر مصلحت‌گرایی، صدور انقلاب باید به صورت مسالمت‌آمیز و بدون بکارگیری زور پی‌گیری و تأمین شود.^{۵۰}

هم‌چنین در گفتمان مصلحت‌گرایی براساس نظم جهانی مطلوب اسلامی، مرزهای جغرافیایی ملی و نظام بین‌الملل مبتنی بر دولت، ملت، اصالت ذاتی ندارد. اما با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی موجود، به طور موقت باید تقسیم جهان به واحدهای ملی را پذیرفت. به عبارت دیگر آرمان‌نهایی، تشکیل امت واحد و جامعه جهانی اسلامی و تأسیس حکومت جهانی اسلام است. ولی تا تحقق این وضعیت آرمانی باید واقعیت‌های موجود را پذیرفت و از نظم مستقر برای رسیدن به نظم مطلوب استفاده کرد. لذا هدف شکل‌گیری

یک جامعه جهانی اسلامی به صورت تدریجی و مسالمت آمیز محقق می‌شود. حمایت از نهضت‌های رهایی بخش و مسلمانان نیز به صورت معنوی و دیپلماتیک در چارچوب قواعد بین‌المللی صورت می‌گیرد. این امر به معنای صدور فرهنگی انقلاب به جای صدور فیزیکی است.^{۵۱}

ج) محدودیت‌ها و موانع منطقه‌ای و بین‌المللی

سومین عامل و علت تغییر الگوی انقلاب مستمر به انقلاب مستقر یا صدور فرهنگی انقلاب در این دوره، محدودیت‌ها و موانعی بود که در سطح منطقه و نظام بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد. در سطح منطقه‌ای، کشورهای محافظه کار عرب که از ترس نفوذ ارزش‌های انقلاب اسلامی و وقوع انقلابی شبیه آن در قلمروشان در قالب شورای همکاری خلیج فارس متحد شده بودند به شدت به مقابله با جمهوری اسلامی پرداختند. به طوری که پس از فتح خرمشهر کشورهای چوچون کویت و عربستان صراحتاً به حمایت مالی و تدارکاتی از عراق برخاستند. حتی کشورهایی که دورتر از ایران قرار داشتند، مانند مصر، اردن و سودان نیز به پشتیبانی از عراق در جنگ با ایران مبادرت کردند. در سطح داخلی نیز این دولت‌ها به سرکوب شدید مخالفان اسلام‌گرای خود دست زدند تا زمینه‌های نفوذ انقلاب اسلامی ایران کاملاً از بین برود.

در سطح نظام بین‌الملل نیز، قدرتهای بزرگ، به ویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی جهت حفظ موازنه منطقه‌ای به مقابله گسترده با جمهوری اسلامی ایران پرداختند. هیچیک از دو ابر قدرت و متحدان آنها خواهان پیروزی ایران و شکست عراق نبودند. زیرا، این تحول به مثابه به خطر افتادن منافع آنان در خاورمیانه و خلیج فارس بود. شکست عراق در جنگ به معنای به خطر افتادن بقاء متحدان محافظه کار آمریکا در منطقه بود. این امر نیز به مثابه تهدید انتقال نفت منطقه به غرب و آمریکا بود که این کشور به هیچ وجه آن را نمی‌پذیرفت. فراتر از این، پیروزی ایران بر عراق امنیت مهم‌ترین متحد استراتژیک آمریکا یعنی اسرائیل را تهدید می‌کرد. چون ایران آشکارا اعلام داشته بود که در صدد اعزام نیرو به لبنان و سوریه برای حمایت از فلسطین و مبارزه با اسرائیل است از این رو، آمریکا و متحدین اروپایی آن مخصوصاً آلمان، انگلیس و فرانسه به حمایت مادی و اقتصادی و تسلیحاتی از عراق مبادرت ورزیدند تا از شکست آن در جنگ جلوگیری کنند.

از طرف دیگر، شوروی نیز به علت مخالفت ایران با اشغال افغانستان توسط این کشور و دستگیری سران حزب توده، به حمایت تسلیحاتی همه جانبه از عراق پرداخت. زیرا، عراق متحد شوروی در خاورمیانه محسوب می‌شد و شکست آن در جنگ با ایران، نفوذ و حضور فعال آن را در خاورمیانه و خلیج فارس به خطر می‌انداخت. افزون بر این، شوروی نگران

آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی به جمهوری‌های مسلمان نشین خود در آسیای مرکزی و قفقاز بود. تحولی که می‌توانست تمامیت ارضی شوروی را در معرض خطر قرار دهد. بنابراین، هردو ابرقدرت، برخلاف رویه جاری جنگ سرد، در مورد لزوم مقابله با انقلاب و سد نفوذ و صدور آن به حوزه‌های پیرامونی ایران به اتفاق نظر دست یافتند. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران که در جنگ با عراق درگیر بود، توان مادی و تسلیحاتی لازم برای صدور فیزیکی انقلاب نداشت و مجبور شد الگوی صدور فرهنگی انقلاب را در پیش بگیرد.^{۵۲} چون همانگونه که ذکر شد حفظ و بقاء جمهوری اسلامی بر هر هدف و مصلحت دیگری مقدم بوده و اولویت داشت.

نتیجه‌گیری

جنگ هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران کلیه ابعاد و اهداف سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار داد. از این رو، صدور انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اصول و اهداف از این رو، صدور انقلاب به عنوان یکی از اصول و اهداف سیاست خارجی نیز دستخوش تغییر و تحول ماهوی و شکلی شد. در این مقاله تلاش گردید تا چیرستی، چرایی و چگونگی تغییر و تحول الگوی صدور انقلاب در دوره جنگ تجزیه و تحلیل شود. بدین منظور معنا و مفهوم، ماهیت، اهداف، ابزار، و الگوی صدور انقلاب و عوامل تعیین کننده آن در دوره اول جنگ (۱۳۶۳-۱۳۶۰) و در دوره دوم جنگ (۱۳۶۷-۱۳۶۳) تبیین گردید. یافته‌های این مقاله را می‌توان در سه گزاره کلی خلاصه کرد:

اول، الگوی صدور انقلاب در دوره جنگ از گسترش عملی الگوی حکومت اسلامی در قالب ترانقلاب مستمر در دوره اول به اشاعه الگوی عملی حکومت اسلامی در چارچوب ترانقلاب مستقر در دوره دوم تحول یافت.

دوم، جمهوری اسلامی ایران در دوره آغازین جنگ تلاش کرد از این حادثه برای صدور عملی الگوی حکومت اسلامی استفاده نماید. چون تشکیل حکومت اسلامی مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی تلقی می‌شد که باید در سایر جوامع اسلامی نیز تحقق می‌یافت. در دوره دوم، در اثر عوامل داخلی و خارجی که ذکر شد، حفظ و بقای جمهوری اسلامی در قالب دکترین ام‌القرآ اولویت یافت. از اینرو الگوی صدور نیز به صورت معرفی الگوی عملی از حکومت اسلامی نظام پیگیری شد.

سوم، برآیندی از متغیرهای کارگزاری و ساختاری مادی و غیر مادی در سطوح داخلی (اعم از فردی و ملی) و خارجی (اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی) فرآیند تحول الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره جنگ را تعیین کردند. در سطح

کارگزاری داخلی شخصیت و باورهای تصمیم گیرندگان اسلام گرای سیاست خارجی یک عامل تعیین کننده مهم بود. در سطح ساختاری داخلی، نتوق و هژمونی گفتمان آرمان گرایی اسلامی در دوره نخست و گفتمان مصلحت گرایی اسلامی در دوره دوم نقش تعیین کننده‌ای در اتخاذ و تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس ایفا کرد. اشغال افغانستان توسط شوروی، و شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس تحولات ساختاری خارجی است که تحول الگوی صدور انقلاب را تحت تأثیر قرار داد.

چهارم، علیرغم تأثیر گذاری عوامل مختلف داخلی و خارجی بر روند تغییر و تحول الگوی صدور انقلاب در دوران جنگ، شواهد نشان می‌دهد که مهم ترین عوامل تعیین کننده رکود در جبهه‌های جنگ و موانع و محدودیت‌های کاگزاری و ساختاری منطقه‌ای و بین‌المللی بود.



پی‌نوشت:

۱. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۲۴-۲۲۲.
۲. اطلاعات، ۲۲ فروردین ۱۳۶۱.
۳. اطلاعات، ۸ مهر ۱۳۵۹.
۴. اطلاعات ۱ مهر ۱۳۵۹.
۵. روح ... رضائی، ۱۳۸۲، «صدور انقلاب ایران، سیاست‌اهداف و وسایل»، در اسپوزیتو، جان ال.، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۵۹-۶۰.
۶. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۷. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۷.
۸. دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷، پیشین، ص ۲۰۲ ۲۰۱.
۹. جان اسپوزیتو، ۱۳۸۲ «انقلاب ایران: چشم اندازی ده ساله»، در اسپوزیتو، جان، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۴۹.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷.
۱۱. فرهنگ رجایی، ۱۳۸۲، «ایدئولوژی و جهان بینی ایران: صدور فرهنگی انقلاب»، در اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن پیشین، ص ۸۳ ۸۰.
۱۲. محمد رضا ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۵، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: شرکت سهامی انتشار، ص ۱۵۳ ۱۲۹.
۱۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۲۹.
۱۴. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۱۲۹.
۱۵. امام روح اله خمینی، ۱۳۵۹، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.
۱۶. امام روح اله خمینی، ۱۳۶۶، پیام بوائت از مشرکین به حجاج بیت ا. الحرام ۱۳۶۶/۵/۶.
۱۷. اسپوزیتو، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۵۱.
۱۸. رضائی، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۵۷.
۱۹. امام روح الله خمینی، ۱۳۸۵، قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج دوم.
۲۰. امام روح ... خمینی، ۱۳۷۴، مجموعه آثار، جلد، ۲۱، ص ۹۱.
۲۱. به نقل از: مجید ادیب زادگان، ۱۳۸۷، زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی، تهران: نشر اختران، ص ۱۶۹.
۲۲. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه روزنامه ایران، ص ۸۸-۹۱.
۲۳. اطلاعات، ۱۳۶۶/۴/۱۵.
۲۴. رضائی، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۳۵ ۳۴.
۲۵. دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، پیشین، ص ۱۶۲ ۱۶۱.
۲۶. اطلاعات، ۱۳۵۹/۱۱/۸.
۲۷. اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۵.
۲۸. محمد رضا تاجیک و سید جلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲، «الگوهای صدور انقلاب اسلامی در گفتمانهای سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷، بهار، ص ۶۹-۶۸.
۲۹. صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۶۶ ۲۶۵.
۳۰. محمد باقر حشمت زاده، ۱۳۸۵، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۴۷-۴۹.
۳۱. مرتضی مطهری، جهاد، تهران: دفتر انتشارات اسلامی بی تا، ص ۳۷ ۱۶.
۳۲. اطلاعات، ۱۳۶۱/۳/۲۹.
۳۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۱۲/۵.
۳۴. منوچهر محمدی، ۱۳۸۵، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۴۴۰-۴۳۲.
۳۵. امام روح ... خمینی، ۱۳۶۱، در جستجوی راه از کلام امام (دفتر پانزدهم)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۵۰-۲۴۹.
۳۶. حشمت زاده، ۱۳۸۵، پیشین، ص ۶۱ ۶۰.
۳۷. صحیفه نور، جلد ۲، ص ۴۲۰.
۳۸. رضائی، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۶۹.
۳۹. صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۴۱۵.
۴۰. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۱۱۹.
۴۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۱۹.
۴۲. اطلاعات، ۵۹/۷/۲۸.
۴۳. رضائی، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۷۱.
۴۴. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۶۴.
۴۵. رضائی، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۷۱ ۷۰.
۴۶. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۶۱ ۲۶۰.
۴۷. اطلاعات، ۱۳۶۶/۵/۷.
۴۸. امام خمینی، مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۲۸۳.
۴۹. روح ان. رضائی، ۱۳۸۰، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
۵۰. دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴، پیشین، ص ۱۱۱ ۱۱۰.
۵۱. همان، ص ۱۱۲-۱۱۴.
۵۲. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴، موانع ساختاری برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره اول، بهار.

منابع

- ۱- ادیب زادگان، مجید، (۱۳۸۷)، زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازتابی از غرب در جهان نمادین ایرانی، تهران: نشر اختران.
- ۲- اسپوزیتو، جان، (۱۳۸۲)، «انقلاب ایران: چشم اندازی ده ساله»، در اسپوزیتو، جان، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن.
- ۳- بازرگان، مهدی، (۱۳۶۴)، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: نهضت آزادی ایران، چاپ چهارم.
- ۴- تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب اسلامی در گفتمانهای سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷، بهار.
- ۵- حشمت زاده محمد باقر، (۱۳۸۵)، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۶- خمینی، امام روح اله، (۱۳۶۶)، پیام برائت از مشرکین به حجاج بیت ا. الحرام.
- ۷- خمینی امام روح اله، (۱۳۶۷)، بیانات به مناسبت سالگرد کشتار حجاج ایرانی در مکه ۲۹، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۷.
- ۸- خمینی، امام روح اله، (۱۳۵۹)، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم.
- ۹- خمینی، امام روح اله، (۱۳۷۴)، مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۲۱.
- ۱۰- خمینی، امام روح اله، (۱۳۶۱)، در جستجوی راه از کلام امام (دفتر پانزدهم)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- خمینی، امام روح اله، (۱۳۸۵)، قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج دوم.
- ۱۲- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، «بازتاب‌های نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل»، در محمد باقر خرمشاد، بازتاب انقلاب اسلامی و روابط بین الملل، تهران: سمت (زیر چاپ).
- ۱۳- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۴)، موانع ساختاری برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره اول، بهار.
- ۱۴- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۴)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه روزنامه ایران.
- ۱۵- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۶- دهقانی فیروزآبادی، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۲)، «ایدئولوژی و جهان بینی ایران: صدور فرهنگی انقلاب»، در اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن.
- ۱۸- رضائی روح اله، (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه
- علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- ۱۹- رضائی، روح اله، (۱۳۸۲)، «صدور انقلاب ایران، سیاست، اهداف و وسایل»، در اسپوزیتو، جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازنمایی اسلام و ایران.
- ۲۰- سلطانی، مجتبی، (۱۳۶۷)، خط سازش: بررسی و تحلیل مستند پیرامون تاریخچه، مواضع و عملکرد نهضت آزادی، تهران: مرکز چاپ و نشر.
- ۲۱- صحیفه نور، جلد، ۱۹.
- ۲۲- صحیفه نور، جلد ۱۱.
- ۲۳- صحیفه نور، جلد ۱۳.
- ۲۴- صحیفه نور، جلد ۱۸.
- ۲۵- صحیفه نور، جلد ۲.
- ۲۶- ضیایی بیگدلی، (۱۳۶۵)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۷- ع. فتح آبادی، (۱۳۵۹)، «صدور انقلاب»، مجله پیام انقلاب ۵۹/۲/۲۵.
- ۲۸- فلاح نژاد، علی، (۱۳۸۴)، سیاست صدور انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، جهاد، تهران: دفتر انتشارات اسلامی بی تا.
- ۳۰- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳۱- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۶)، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

چرايد

- اطلاعات ۱۳۶۰/۵/۱۵.
- اطلاعات ۱۳۶۶/۵/۷.
- اطلاعات ۱۳۶۱/۱/۲۲.
- اطلاعات ۱۳۵۹/۷/۱.
- اطلاعات ۱۳۶۱/۳/۲۹.
- اطلاعات ۱۳۵۹/۱۱/۸، ص ۵.
- اطلاعات ۱۳۵۹/۷/۸.
- اطلاعات مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۵.
- جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۱۲/۵.